

مقدمه

مهمترین مسئله‌ای که امروز اغلب مردم جهان با آن روبه‌رو هستند، کاهش ویژگیهای مثبت محیط زیست و افزایش آلودگی آن است. بخشهای سه‌گانه قلمرو غیرزنده کره زمین (اتمسفیر، هیدروسفر و لیتوسفر) در محل تلاقی یکدیگر، در اثر این آلودگیها ناسالم گشته‌اند و ارزش حیاتی مجموعه آنها از بین رفته است، مجموعه‌ای که محیط طبیعی را می‌سازد و پایه و زیربنای بیوسنوز یا مجموعه زیستی را تشکیل می‌دهد. کاهش ارزش حیاتی این مجموعه به قدری زیاد است که روند طبیعی پدیده‌ها دچار اختلال شده و موضوع حالت بحرانی به خود می‌گیرد. آلودگیهای ناشی از سوخت کارخانه‌ها، ماشین‌آلات، خودروها، تشعشعات رادیواکتیو برخی عناصر به صورت طبیعی یا مصنوعی، محصولات توسعه بی‌وقفه شهرها و فناوری و نظایر آنها را می‌توان به عنوان مثال ذکر نمود. هرچند که اهمیت مسئله بیش از پیش بر مسئولان امر آشکار و کنفرانسهای ملی و بین‌المللی و سمینارها و گردهماییهای گوناگون برپا می‌گردد، ولی عملاً اقدام اساسی و همه‌جانبه صورت نگرفته است، اقدامی که به طور چشمگیر تنگناهای حاصل از آلودگیها را کاهش دهد و یا لاقفل در کنترل و مهار کردن آنها مؤثر واقع شود. یکی از مهمترین علل عدم توفیق در حل این معضله، گستردگی ابعاد موضوع و پیچیدگی روابط عوامل گوناگون از قبیل آلاینده‌ها، عوامل به وجود آورنده آنها، محیط یا محیطهای طبیعی، فشار دموگرافی، مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. وابستگی عوامل و پیچیدگی آنها به قدری وسیع و دامنه‌دار است که نمی‌توان به راحتی، در محدوده خاص، نسبت به ریشه‌یابی دقیق و صحیح و چاره‌اندیشی متناسب اقدام نمود. از این رو تا پژوهشهای همه‌جانبه و بین‌رشته‌ای به منظور ریشه‌یابی اساسی و عمیق و پی‌بردن به ماهیت روابط، توسط متخصصان ذی‌ربط و گوناگون به طور سازمان‌یافته و با مدیریت صحیح و مسئولانه به مرحله اجرا در نیاید، نباید انتظار داشت که این امر مهم حیاتی ملی و جهانی، به طور ریشه‌ای حل شود. به‌زعم متصدیان امور، مطالعه در زمینه بروز اختلالات در محیط و یافتن راه‌حلها صرفاً جزو وظایف نهادهای محیط زیست است، در صورتی که نقش مطالعات متخصصان سایر رشته‌ها که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با قلمروهای مختلف و عوامل تشکیل‌دهنده زیربنا و رو بنای محیط زیست سر و کار دارند، نه تنها کم‌اهمیت نیست بلکه در برخی موارد بسیار مهم و حتی تعیین‌کننده است. نقش مطالعات متخصصان جغرافیا، بویژه جغرافیای طبیعی از آن جمله است. در دانش محیط زیست چگونگی روابط بین موجودات زنده و سازش آنها با محیط طبیعی بررسی می‌شود، در صورتی که مطالعه کم و کیف محیط طبیعی، شناخت نقش تحلیلی و ترکیبی عوامل تشکیل‌دهنده آن، نحوه تغییرات محیط، بویژه در نتیجه تأثیر موجودات زنده و از همه مهمتر در نتیجه دخالت انسانها، کشف واکنشهای آن در برابر آلودگیها و اختلالات ناشی از اعمال تغییرات در آن و مواردی از این قبیل از وظایف جغرافیدانان به‌شمار می‌رود.

لیکن این وظایف وقتی به بهترین وجهی انجام می‌پذیرند که از یک طرف، نگرش منطقی و روش اصولی نظام علمی مشخص و تعیین شود و از طرف دیگر زمینه کاری فراهم گردد. از مدتها پیش، خصوصاً از جنگ دوم جهانی به بعد علم جغرافیا، همانند سایر دانشها، مراحل تحول گوناگونی را در نگرش و متدولوژی طی کرده و دوران نوین آن با تداول روش سیستمی آغاز گردیده است. با اتخاذ این روش اهمیت پیوند سازندهای محیط و نقش آنها در پدیده بسیار مهم حیات، حتی در پژوهشهای تخصصی، به باد فراموشی سپرده نمی‌شوند و نقیصه‌ای که در تخصص‌گرایی و اعمال قالبهای گوناگون در محیط و مطالعه آن به صورت تجزیه‌ای و بدون توجه به نقش روابط وجود داشت و درک واقعیتهای کلی محیطی را در قالب یک چشم‌انداز و یک منظر و به عبارت دیگر در قالب یک سیستم دچار اشکال می‌ساخت، از بین می‌رود. خوشبختانه اولین شرط ایفای وظایف، یعنی اتخاذ روش اصولی فراهم آمده است. بنابراین، همانگونه که مطالب فصول ششگانه این اثر می‌نمایانند، مطالعات جغرافیای طبیعی در ریشه‌یابی اساسی معضلات و بالمآل در برنامه‌ریزی عمران و توسعه، کمکهای شایسته و ارزنده‌ای ارائه می‌دهد. امید است که با حصول شرط دوم، متخصصان رشته‌های متعدد جغرافیا به‌طور عام و جغرافیای طبیعی به‌طور خاص، همانند جغرافیدانان اغلب کشورهای جهان نقش ارزنده و سازنده خود را به نحو احسن به

منصه عمل درآوردند.

در حال حاضر در تمامی رشته‌های علوم جغرافیا، خصوصاً جغرافیای طبیعی روش سیستمی و توجه به یکپارچگی محیط بیش از پیش مدنظر قرار می‌گیرند. سعی کرده‌ایم که در فصل اول این اثر تحت عنوان «جغرافیای طبیعی کاربردی و نگرش سیستمی» به تشریح و روشن ساختن موضوع مذکور بپردازیم. بعد از آگاهی از موضوعات مورد بحث در جغرافیای طبیعی و تشریح اهمیت نگرش سیستمی و جهت‌گیری نوین این علم در این فصل، «بررسی روابط موضوعات جغرافیای طبیعی با یکدیگر و با پدیده‌های سایر رشته‌های مجاور» که عنوان فصل دوم را تشکیل می‌دهد، به راحتی امکانپذیر می‌گردد. در طی این مطالعه تلاش ما بر این بوده است که ضمن توجه به نوع و نحوه روابط عوامل، از نقش ترکیبی آنها در ایجاد نوعی خاص از محیط طبیعی که برای امر آمایش بسیار مهم است غافل نمانیم تا بتوانیم مطالب فصل سوم را به‌عنوان «محیطهای طبیعی در ارتباط با آمایش سرزمین و نقش مطالعات جغرافیای طبیعی» بپرورانیم. در این فصل، با مطالعه ویژگیهای قطب غیرزنده محیط (اکوتوپ و بیوتوپ) و قطب زنده (بیوسنوز) در قالب اکوسیستم و توجه به کیفیت رابطه آنها در ایجاد محیطهای مناسب یا نامناسب، به تجزیه و تحلیل محیطها و اکوتوپهای پایدار و ناپایدار و بینابین می‌پردازیم، چرا که هر یک از این قلمروها، در آمایش، مسائل خاصی را مطرح می‌سازند و با دارا بودن استعداد ویژه، آمایش بخصوصی را طلب می‌کنند.

«قلمرو برنامه‌ریزی منطقه‌ای (شهری - روستایی)» عنوان فصل چهارم این اثر است که در آن، ابتدا مفهوم «منطقه» و معیارهای تعیین آن بررسی و سپس مطالبی در خصوص نقش مطالعات سازمان‌یافته جغرافیای طبیعی، در برنامه‌ریزی منطقه‌ای (شهری و روستایی) و ارزیابی محیط طبیعی نسبت به بهره‌برداریهای کلان ارائه می‌شود.

موضوعات فصل پنجم مسائل بسیار مهم و حیاتی مربوط به بلاهای طبیعی، بروز اختلالات مهم در محیط ناشی از عوامل گوناگون (اکثراً با منشأ طبیعی)، آلودگیهای محیط و غیره است و خوانندگان، با انواع گوناگون بلاها، منشأ آنها، نحوه و میزان خساراتی که از این طریق به شهرها، روستاها، آبادیها، مراکز تجمع و فعالیت انسانها وارد می‌آید آشنا می‌شوند. ضمناً با مشخص شدن ارتباط آنها با مسائل جغرافیای طبیعی روشهای مقابله مناسب نیز تا حدودی ارائه می‌گردد. بدین جهت این فصل با عنوان «اختلالات محیط زیست و مطالعات جغرافیای طبیعی» مشخص شده است.

فصل ششم به «نقشه‌های ویژه جغرافیای طبیعی و روشهای کاربری اراضی» اختصاص یافته است و می‌توان آن را نوعی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی تلقی کرد. با توضیح نمونه‌هایی از نقشه‌های جغرافیای طبیعی ویژه و کاربرد آنها در آمایش سرزمین، تلاش به‌عمل آمده تا روشهای کاربری زمین و لزوم رعایت ویژگیهای اکولوژیک محیط، هرچند به طور خلاصه، مورد مطالعه قرار بگیرند.

در توضیح مسائل سعی وافر صورت گرفته تا مطالب هر یک از عناوین با جملات بسیار ساده به‌خوبی روشن شوند تا علاوه بر دانشجویان و متخصصان جغرافیا، سایر دانشجویان و متخصصان که موضوعات رشته آنان به نوعی با مسائل جغرافیای طبیعی پیوند دارند و همچنین تمامی پویندگان نهادها و مؤسسات علمی که با امور زمین و طبیعت، برنامه‌ریزی و آمایش زمین سرو کار دارند نیز بتوانند از این اثر استفاده کنند. لیکن در اکثر موارد به اجبار از توضیح کامل خودداری شده است؛ زیرا در غیر این صورت حجم کتاب حاضر چند برابر حجم فعلی می‌شد. از این رو شاید فهم برخی از مسائل برای بعضی از خوانندگان خصوصاً مبتدیان ثقیل به نظر برسد. اما تنظیم مطالب و بیان موضوعات به‌گونه‌ای است که فهم ناقص برخی از موضوعات تأثیر منفی قابل توجهی در درک سایر مطالب نخواهد گذاشت.